

تبیین شاخصه‌های سفالی اوایل دوره پارسی در حوضه کشف‌رود: براساس گونه شناسی سفال‌های تپه اسماعیل آباد مشهد

محمد صادق داوری*

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور

فاطمه موسیوند

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور

حسن با صفا

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۳۰

چکیده

دوره پارسی در ایران به نسبت دیگر دوره‌های تاریخی، کمتر شناخته شده است. اطلاعاتی که متون تاریخی و جغرافیای تاریخی ارائه می‌کنند، می‌تواند خاستگاه اشکانیان را در سرزمین‌های شمال‌شرق ایران بویژه خراسان و بخش‌هایی از دشت گرگان پیچویی نمود. با گذشت زمان و تغییر مراکز دولتی این سلسله از شمال‌شرق ایران به سرزمین‌های غربی، هنر و فرهنگ آنها نیز رفته‌رفته دگرگون شده که تنها می‌توان بقایای آن را در مراکز دولتی غربی آنها به طور ملموس مشاهده کرد. از طرفی بر اساس مطالعات محدود و ناهمگونی که در خراسان انجام شده است، می‌توان این دوره فرهنگی را در منطقه کاملاً ناشناخته محسوب کرد. براساس بررسی‌های باستان‌شناختی دشت مشهد، تپه اسماعیل آباد با مواد سطحی متعلق به دوره پارسی شناسایی شده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود براساس مطالعات گونه‌شناسی و مطالعات تطبیقی، سنت‌های سفالی دوره پارسی حوضه کشف‌رود را تا حدی بازسازی نمود که به نوعی می‌تواند روشن‌کننده بخشی از فرهنگ پارسی منطقه خراسان و همچنین مبنای گاهنگاری نسبی این دوره در منطقه محسوب شود. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر وجود فرم‌ها و گونه‌های سفالی متعددی است که بدلیل منشأ بودن و شکل‌گیری اولیه سلسله پارسی در این منطقه تا حدی از سنت‌های سفالی دوره قبل (دوره آهن، فرهنگ موسوم به یاز) وام گرفته و دارای کلاس‌های محلی نسبت به دیگر سنت‌های شناخته شده در مناطق مرکزی و غربی ایران نیز می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خراسان، حوضه کشف‌رود، دوره پارسی، گونه‌شناسی سفال

۱. مقدمه

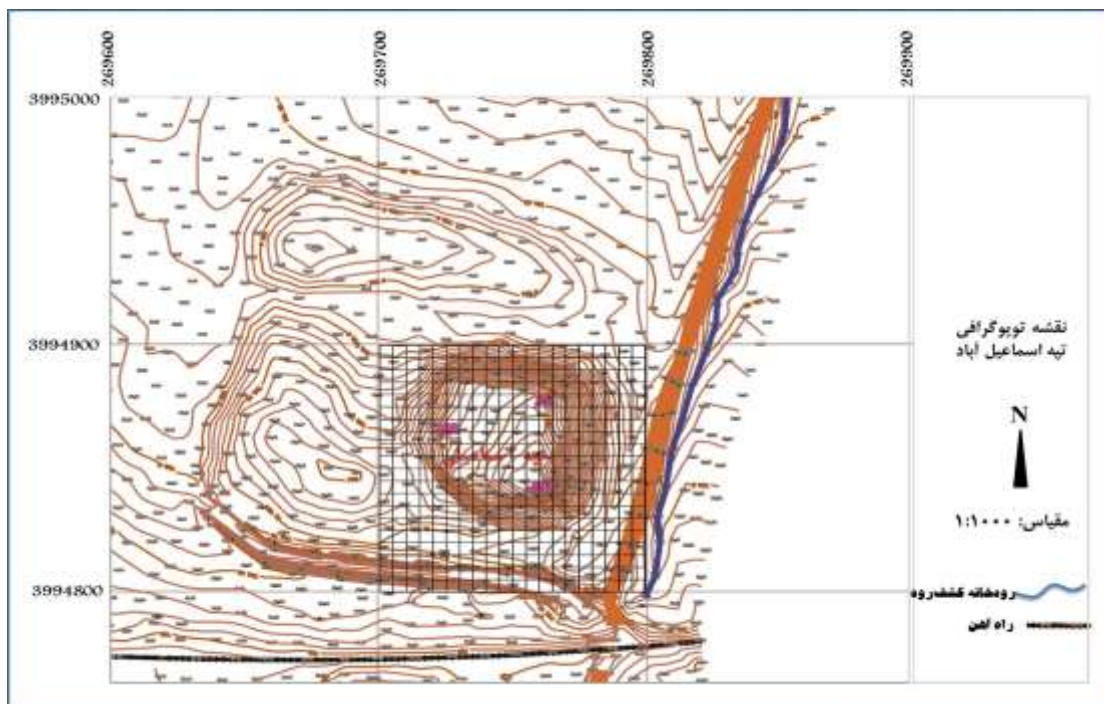
خراسان بزرگ (قبل از تقسیم بندی به سه استان) و در مجموع مناطق شرقی ایران پیشینه ناشناخته‌ای دارند. اطلاعات ما از این حوزه در پیش‌از تاریخ و دوره‌های تاریخی بسیار اندک و در بسیاری موارد فاقد هرگونه مدرکی است. از طرفی حوضه کشف رود بدلیل وجود آثاری از دوره پارینه سنگی قدیم، به عنوان قدیمی‌ترین حوزه فرهنگی ایران (Ariai & Thibault, 1977؛ بیگری، ۱۳۹۴: ۱۶-۲۴؛ امیرلو، ۱۳۶۵: ۱۶)، همواره مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است (داوری ۱۳۹۵: ۴). اما به دلیل فقدان و ناهمگون بودن مطالعات باستان‌شناسی در سرزمین خراسان، متأسفانه ادوار تاریخی این حوزه تا کنون ناشناخته مانده است. برای اولین بار ارنی هرینگ در راستای تدوین پایان نامه دکتری خود، دست به کاری جسورانه و دشوار زد؛ وی طی دو سال (۱۹۷۱-۱۹۷۳) مطالعه در موزه ملی ایران، برخی سایت‌های مهم اشکانی و موسسات باستان‌شناسی، به مطالعه سنت‌های سفالی دوره پارسی پرداخت و این مواد را به دو شیوه که مبتنی بر بعد مکانی و سبک‌شناسی بود، طبقه بندی کرد (هرینگ، ۱۳۷۶). با این حال در مطالعه هرینگ بخشی بسیار کوچکی به مناطق شمال شرق ایران اختصاص یافته است که بیشتر متکی بر سایت‌های اشکانی شناخته شده و کاوش شده اعم از قومس در دامغان، تورنگ تپه و یاریم تپه در دشت گرگان و تپه ناریشان است و هیچگونه اشاره‌ای به سنت‌های سفالی دوره پارسی خراسان نشده است. در دهه اخیر با تمرکز برخی فعالیت‌های باستان‌شناختی در سال ۱۳۹۵ پس از سال‌های متمادی، پژوهشی باستان‌شناختی مربوط به دوره اشکانی توسط حسن نامی در محوطه شهرتپه دشت درگز صورت گرفته است (نامی، ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۶). محققین در متون جغرافیا و تاریخ خاستگاه اشکانیان را مناطق شمال شرق ایران به‌ویژه خراسان و دشت گرگان بیان می‌کنند. با نگاهی به تاریخ سیاسی دوره اشکانی، نقش خراسان در شکل‌گیری و رشد و نمو حکومت اشکانی به خوبی قابل فهم است؛ به نحوی که با اطمینان می‌توان خراسان بزرگ را بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای اوایل حکومت اشکانیان قلمداد نمود که در رویدادهای سیاسی بعد از حکومت مهرداد اول تا زوال این سلسله بدست اردشیر بابکان، این منطقه به‌عنوان زادگاه اشکانیان نقش مهم و حیاتی در تاریخ این حکومت داشته (نامی، ۱۳۹۶: ۱۲۴) و پس از تثبیت حکومت اشکانیان، مهمترین شهرها و استقرارهای دوره اشکانی در این منطقه اعم از شهرتپه چپشلو در درگز و نسا در عشق‌آباد ترکمنستان به عنوان حیاتی‌ترین پایگاه‌های حکومتی سلسله اشکانیان شکل گرفته است. با توجه به اینکه خراسان بزرگ بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای شکل‌گیری و اوایل حکومت اشکانیان بوده؛ می‌بایست در مطالعات دوره اشکانی سرزمین خراسان این دوره را به دو زیر دوره الف: دوره شکل‌گیری و تثبیت حکومت اشکانیان و ب: دوره حکومت اشکانیان تقسیم نمود. دوره اول (دوره تثبیت و شکل‌گیری حکومت اشکانیان) پس از آخرین فاز دوره آهن منطقه موسوم به یاز III (که در برگیرنده پایان دوره زمانی هخامنشی است) که از تاریخ ۳۰۰ ق.م و تا زمان قبل از به سلطنت رسیدن مهرداد اول را دربر می‌گیرد. دوره دوم (دوره حکومت اشکانیان) پس از تثبیت، شکل‌گیری و به رسمیت شناخته شدن سلسله اشکانیان مقارن با سلطنت مهرداد اول (۱۷۱ تا ۱۳۷ ق.م) است که تا پایان زوال حکومت اشکانیان توسط اردشیر بابکان ادامه داشته است. انجام مطالعات باستان‌شناختی با تمرکز بر دوره مذکور در خراسان، می‌تواند گشاینده دریچه نوین در مطالعات باستان‌شناسانه این دوره فرهنگی محسوب شود.

دوره آهن از آنجا مهم است که پیش‌درآمدی برای فرهنگ‌های دوره تاریخی ایران قلمداد می‌شود (فهیمی، ۱۳۸۱: ۳۲). دوره آهن در منطقه شمال‌شرق ایران به‌ویژه خراسان، شامل دو فرهنگ مادی متأثر از فرهنگ‌های آسیای میانه یعنی یاز و داهستان است. آنچه براساس بررسی‌های انجام شده در خراسان رضوی و حوضه کشف‌رود مشخص شده است، فرهنگ غالب دوره آهن در خراسان رضوی به‌ویژه حوضه کشف‌رود، تحت تأثیر شاخصه‌ها و تحولات فرهنگ دوره آهنی یاز در آسیای میانه می‌باشد (باصفا، منتشر نشده؛ مزاری مقدم، ۱۳۹۵). در تعاریف گاه‌شناختی یاز به سه میان دوره (I-II-III) تقسیم می‌شود. یاز I هم‌زمان با دوران آهن قدیم یعنی ۱۴۰۰ تا ۹۰۰ ق.م، یاز II از ۹۰۰ تا ۵۵۰ ق.م و یاز III منطبق با سال‌های ۵۵۰ تا ۳۰۰ ق.م و پایان دوره هخامنشی است (Cattani & Genito, 1998: 75)، که پس از آن تحولاتی که در ساختارهای اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی جوامع این دوره به‌وجود می‌آید، زمینه‌ساز و پیش‌درآمدی برای شکل‌گیری فرهنگ دوره اشکانی در منطقه شمال‌شرق ایران و جنوب‌غرب آسیای میانه می‌شود. در اوایل دوره شکل‌گیری و تثبیت سلسله پارتی، اغلب شاخصه‌های فرهنگی این دوره، وام‌دار فرهنگ قبل از خود یعنی فرهنگ دوره آهنی یاز به‌ویژه یاز II و III (۳۰۰ ق.م) است که با مطالعه سنت‌های سفالی و الگوی زیستی استقرار اسماعیل آباد مشخص شده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با رویکرد گونه‌شناسی و روش تطبیقی، شاخصه‌های فرهنگی دوره پارتی حوضه کشف‌رود را براساس بررسی سنت‌های سفالی تپه اسماعیل‌آباد تبیین و سپس منشأ شاخصه‌های فرهنگ سفالی این دوره را مشخص نماییم. به هر حال پژوهش حاضر در استقرار اسماعیل‌آباد نخستین گام در راستای شناخت فرهنگ مادی دوره پارتی در منطقه موسوم به حوضه آبریز کشف‌رود (شهرستان مشهد) است. این درحالی است که براساس مطالعات باستان‌شناسی، تنها استقرارهای حوضه کشف‌رود طی فعالیت‌های بررسی از سوی اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی شناخته شده اما تا کنون بر روی مواد فرهنگی و یا استقرارهای دوره پارتی این حوضه، مطالعات تخصصی و گسترده، صورت نگرفته است. از این رو مطالعه فعلی را می‌توان به عنوان نخستین گام مطالعاتی دوره پارتی در منطقه کشف‌رود دانست که علاوه بر معرفی استقرار، به برخی از شاخصه‌های فرهنگی دوره پارتی منطقه یعنی شاخصه‌های سفالی این دوره می‌پردازد. یکی دیگر از دلایل انتخاب این استقرار برای مطالعه نیز تک دوره‌ای بودن استقرار است که تردیدهای مطالعاتی و تفکیکی سفال این دوره را کاهش می‌دهد؛ چراکه در راستای مطالعات سفالی دوره پارتی خراسان تاکنون مولفه‌های بخصوصی برای آن در نظر گرفته نشده و به سختی می‌توان سفال این دوره را از دیگر دوره‌های فرهنگی به‌خصوص دوره فرهنگی یاز تشخیص داد.

۲. روش تحقیق

مبنای پژوهش حاضر مطالعه و تحلیل مواد فرهنگی سطحی تپه اسماعیل‌آباد (سفال) و مطالعه فاکتورهای زیستی استقرار در کنار مطالعات کتابخانه‌ای است. جامعه آماری با رویکردی استقرایی از طریق گونه‌شناسی، تجزیه و تحلیل شده و فرضیه‌ها ارزیابی شده‌اند. لازم به ذکر است در بعد میدانی، نمونه‌ها در فرآیند بررسی روشمند انتخاب شده‌اند (Burke & Smith 2004: 68). بر این اساس برآمدگی سطح تپه به شبکه‌های ۵ در ۵ متر تقسیم و به‌دلیل کمبود بیش از حد مواد فرهنگی، تمامی داده‌های موجود در شبکه‌ها جمع‌آوری گردید. تنها هدف از شبکه‌بندی و برداشت نمونه‌ها از شبکه‌های مشخص، جایابی گونه‌های سفالی در

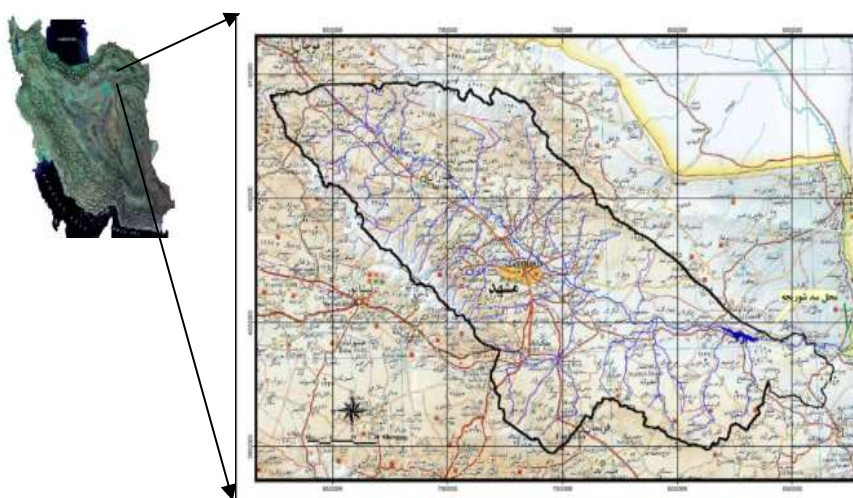
بخش‌های مختلف تپه بود که بر اثر برداشت کلیه مواد فرهنگی سطح تپه، بتوان جهت مطالعات آتی و یا کاوش تپه، از نحوه پراکندگی گونه‌های مختلف در بخش‌های تپه آگاهی داشت. تمامی مواد فرهنگی سطح تپه شامل قطعات سفال بود. از مهمترین مواد فرهنگی جمع‌آوری شده، یک سبب سفالی کامل و یک سببوی شکسته می‌باشد. در مجموع تعداد ۹۳ قطعه سفال از تمامی شبکه‌ها برداشت شد که تعداد ۲۲ (۲۳,۶٪) مورد از آنها به عنوان نمونه‌های شاخص مورد مطالعه قرار گرفت. همانطور که اشاره شد پراکندگی مواد فرهنگی در تپه اسماعیل‌آباد به دلیل برداشت‌های غیر حرفه‌ای و ناآگاهانه از سطح تپه، بسیار محدود و به‌طور یک‌دست و منظم نبوده؛ به‌شکلی که در بیشتر شبکه‌های بررسی شده هیچ‌گونه مواد فرهنگی یا قطعه سفال یافت نشد. علاوه بر این مشخص شد که فراوانی مواد فرهنگی بیشتر در دو نیمه شمالی و جنوبی تپه پراکنده بوده که از مهم‌ترین دلایل آن تسطیح این دو بخش توسط آسیب‌های وارده از سوی فعالیت‌های کشاورزی و همچنین فعالیت‌های عمرانی مربوط به راه‌آهن بوده است. همچنین براساس مطالعات اولیه، شواهدی از توالی فرهنگی در این تپه مشاهده نمی‌شود و مواد فرهنگی (سفال) بیانگر تک دوره‌ای بودن استقرار است. در پایان نمونه‌ها در رویکردی مقایسه‌ای تحلیل و طبقه‌بندی شده‌اند. لازم بذکر است کمبود بیش از حد مواد فرهنگی موجود بر سطح استقرار اسماعیل‌آباد و همچنین تسطیح و آسیب‌های وارده در لایه سطحی توسط ماشین‌آلات کشاورزی و حفاری‌های غیرمجاز سبب آشفستگی مواد سطحی استقرار شده که هرگونه مطالعات مربوط به بررسی روشمند و تحلیل‌های مکانی و فضایی مربوط به فعالیت بخش‌های مختلف استقرار را با چالش روبرو می‌سازد؛ از این رو تصمیم بر آن شد که تنها مواد فرهنگی این استقرار را به عنوان نمونه‌های اولیه مواد فرهنگی یا سفال‌های مربوط به دوره اشکانی منطقه کشف‌رود مورد مطالعه تطبیقی و گونه‌شناختی قرار داده تا بتوانیم تصویری هرچند کوچک از شاخصه‌های فرهنگی این دوره ارائه دهیم.



تصویر ۱: نقشه توپوگرافی تپه اسماعیل‌آباد (آرشیو اداره میراث فرهنگی خراسان رضوی)

۱-۲. موقعیت نسبی و بستر جغرافیایی

استان خراسان رضوی در شمال شرق کشور واقع است. این منطقه محل تلاقی ۳ حوضه آبریز اترک و قره قوم و کویر مرکزی ایران می‌باشد. شهرستان مشهد بخش نسبتاً وسیعی از استان خراسان رضوی را در بر می‌گیرد و بین دو رشته کوه شمالی هزار مسجد و جنوبی بینالود واقع شده که رودخانه کشف‌رود از میان آن می‌گذرد و به نام حوضه آبرگیر کشف‌رود معروف شده است و درمختصات جغرافیایی ۲۲-۵۷ تا ۱۰-۶۱ طول شرقی و ۳۹-۳۵ تا ۰۴-۳۷ عرض شمالی قرار دارد. رودخانه کشف‌رود اصلی‌ترین شریان حیاتی و منبع آب دشت مشهد محسوب می‌شود. طول رودخانه اصلی حوضه از نظر هیدرولوژیکی حدود ۲۵۰ کیلومتر از محل سرچشمه تا خروجی آن بوده که توسط ۲۵ سرشاخه مشرف به آن تشکیل یافته است (دهقان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۶۰).



تصویر ۲: موقعیت کشف‌رود (داوری، ۱۳۹۵: ۱۷)



تصویر ۳: محدوده مورد مطالعه (شهرستان مشهد) (google earth)

این منطقه دارای آب و هوای تقریباً گرم و خشک بوده که ارتفاعات آن در مقایسه با مناطق شمالی خراسان اندک است و به دلیل کمبود میزان بارندگی، گیاهانی که نیاز کمتری به آب دارند در پوشش گیاهی آن دیده می‌شوند. همچنین این ناحیه از منابع آب سطحی یا دیرخوردار بوده که امروزه و از چند دهه گذشته با حفر

چاه‌های عمیق و حجم برداشت‌های نامتعارف و فقر نزولات جوی اکثر این منابع از جمله رودخانه کشف‌رود خشک شده است. وجود رودخانه‌ای پربار در میانه دشت مشهد و دارا بودن سرشاخه‌های متفاوت، سبب شده تا اکوسیستمی بارور در دشت مشهد شکل بگیرد که زمینه ساز جذب جوامع فرهنگی ادوار مختلف به‌ویژه دوره پارسی بوده است.

۲-۲. تپه اسماعیل آباد

تپه اسماعیل آباد در حال حاضر در ۷۲ کیلومتری شرق مشهد، در فاصله چهارصد متری شمال محور ارتباطی مشهد - سرخس، یک کیلومتری غرب پاسگاه پلیس راه روستای متروکه اسماعیل آباد و در فاصله ۵۰ متری خط راه آهن مشهد - سرخس واقع شده است. تپه نام خود را از روستای متروکه نزدیک تپه گرفته است. این تپه در سال ۱۳۷۸ توسط هیات باستان‌شناسی میراث فرهنگی خراسان به سرپرستی محمود بختیاری شناسایی شد. این تپه با مختصات جغرافیایی $E 60\ 20\ 00$ و $N 36\ 04\ 06$ در ارتفاع ۷۴۶ متری از سطح دریا واقع شده است. سطح تپه در ارتفاع ۷ متری از سطح زمین‌های اطراف است. وسعت استقرار در حدود ۹۰ متر طولی و ۸۰ متر عرضی برحسب پراکنش مواد فرهنگی و ۵۰ متر طولی و ۳۰ متر عرضی برحسب برآمدگی سطح تپه است. به علت کم آبی موجود در منطقه اطراف این تپه در حال حاضر با زمین‌های کشاورزی تخریب آنچنانی نمی‌شود، اما در گذشته از این تخریب در امان نبوده است. همچنین حفاری‌های غیرمجاز، تخریب‌های زیادی را بر تپه وارد آورده است. بخشی از این تپه نیز در جریان ساخت راه آهن مشهد - سرخس از بین رفته است. تپه اسماعیل آباد در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۹ و با شماره ۱۲۹۴۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (شکوهی و دل آرامی، ۱۳۸۳).



تصویر ۴: دورنمایی تپه اسماعیل آباد و گذر خط راه آهن از ضلع جنوبی آن (نگارندگان)

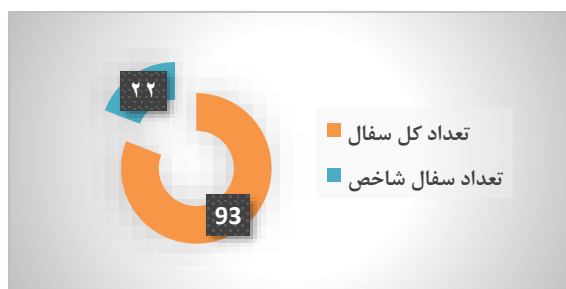
۳. مبانی نظری

هرینگ معتقد است تا چند دهه گذشته به استثنای اطلاعات مبهم تاریخی، شناخت دوره پارتی منحصر به چند بنای ویران به جا مانده اعم از مسجد سلیمان، بردنشانده، قلعه یزدگرد، کنگاور، خورهه، شهر قومس، کوه خواجه، و نقش برجسته‌های الیمایی در جنوب غرب ایران بوده (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۳) و پس از آن اغلب پژوهشگران به دلیل نبود منابع و مدارک کافی، مطالعات تخصصی این دوره را نیز همچنان بر روی این مکان‌ها متمرکز کردند. مطالعات جدی این دوره در منطقه خراسان به‌ویژه خراسان رضوی، مربوط به سال گذشته (۱۳۹۵) در شهر تپه درگز به سرپرستی حسن نامی و مطالعاتی در استان خراسان شمالی در قالب چند بررسی و شناسایی بوده است.

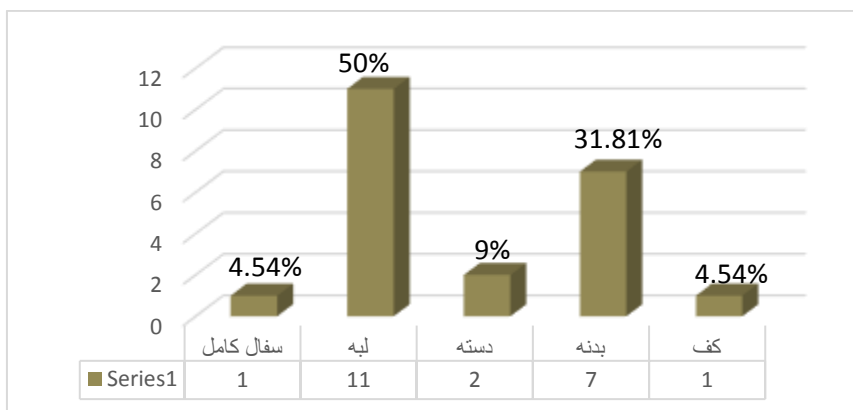
به گفته محققین غربی اعم از استرابو، یوستینوس و ژوستین، ارشک یا اشک نامی در زمان درگیری‌های دولت سلوکیه با شورشیان غربی، بر ساتراپ پرثوه هخامنشی شوریدند و حکومت مستقل پارتی را شکل دادند و خاندان پارتی، رفته رفته با تثبیت سلسله خود در سال ۲۴۷ ق.م، شهر نسا در عشق‌آباد ترکمنستان را به عنوان پایتخت سیاسی و استقرارهای کوچک‌تری را در سرزمین اولیه خود [که محدود به شمال شرق ایران می‌شد] ایجاد کردند. اشراف پارتی و اغلب مردمان این دوره به گذشته کوچ نشین خود وفادار بودند (فرای، ۱۳۸۹: ۲۲). با شکل‌گیری حکومت مهرداد اول و تدابیر سیاسی و همچنین برتری‌های نظامی وی، سرزمین پارتیان تا غرب در بین‌النهرین و سوریه پیشروی کرد که از مشخصات دوران سلطنت او بسط تماس‌های سیاسی و تجاری در سراسر جهان آن روز و همچنین کنترل راه تجاری ابریشم بود (هرمان، ۱۳۸۷: ۲۷). این اقدامات سبب شده بود فرهنگ و هنر اشکانی پیرو ارتباطات تجاری و سیاسی دچار دگرگونی، تحول و پیشرفت‌هایی شود که بدلیل انتقال تمرکز اداری و سیاسی از شمال شرق ایران به سرزمین‌های غربی، سیر این تحول را در مراکز غربی اعم از قلعه یزدگرد، خورهه، مسجد سلیمان، سرزمین‌های الیمایی و در دوره اوج خود در مراکز دولتی و تجاری لبه غربی کشور پارت همچون الحضراء، دورا اروپوس (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲) مشاهده کرد. دوره قبل از پارتی در سرزمین خراسان (خراسان رضوی)، عصر آهن و فرهنگ موسوم به یاز است که از ۱۴۰۰-۳۰۰ ق.م تداوم داشته و مولفه‌های فرهنگی، زیستی و اجتماعی این دوره پیش درآمد شکل‌گیری دوره پارتی شده که شاخصه‌های آن در اوایل تثبیت و شکل‌گیری سلسله پارتی در خراسان بویژه در منطقه کشف‌رود، به طور ملموس مشخص و قابل مشاهده است. با این تفاسیر در شمال شرق ایران و استقرارهای اشکانی این منطقه تنها می‌توان هنر و مولفه‌های فرهنگی اولیه دوره پارتی را درک کرد که تداوم یافته شاخصه‌های دوره قبل از خود (فرهنگ یاز II و III) است و ممکن است در بخش‌های مختلفی با فرهنگ شناخته شده پارتی در دیگر مناطق ایران که امروزه پژوهشگران زیادی شاخصه‌های منحصر بفردی (اعم از سفال جیلینگی یا کیلنکی) برای آن در نظر می‌گیرند، متفاوت باشد. سفال اهمیت ویژه‌ای در مطالعات گاه‌شناختی دارد که تفاوت‌ها و تشابهات آنها در مطالعه گونه‌شناختی و طبقه‌بندی، روشن‌گر سیر تطوری، تغییرگونه‌ها و روند پیشرفت آنها است (ولی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴). رویکرد پژوهش حاضر برای درک گونه‌های سفالی تپه اسماعیل‌آباد به عنوان نمونه‌های سفالی اوایل دوره پارتی حوضه کشف‌رود (شهرستان مشهد) و درک سیر تطوری و روند تغییرات سبکی از دوره قبل، بررسی ماده چسباننده، تکنیک‌های ساخت، شکل ظروف، پخت، رنگ سفال، اعمال انجام شده بر سطح سفال، میزان ضخامت ظروف و نقوش است.

۳-۱. تحلیل مواد فرهنگی تپه اسماعیل آباد

قابل توجه است که در تفکیک و شناخت سفال شروع دوره یاز تا اواخر دوران تاریخی، مشکل جدی وجود دارد. سفال استقرار اسماعیل‌آباد از نظر شکل‌شناسی و فرم شناسی دارای ۵ گونه سفالی متفاوت است که شامل کاسه‌ها و پیاله‌ها، تنگ‌ها یا کوزه‌ها، خمیره، جام و ظروف دسته افقی با فرمی شبیه به کاسه و دیگچه می‌باشد. در بین قطعات سفالی این استقرار، نمونه‌ای مبنی بر پایه ظرف یا چیزی شبیه به آن بدست نیامده اما قطعاتی مربوط به دسته ظروف وجود دارد که اغلب به دلیل شکستگی، کاربرد آن در فرم‌های ذکر شده نا مشخص است و تنها در یک نمونه شبیه به کاسه یا دیگچه می‌توان کاربرد دسته را مشاهده کرد که به صورت افقی به ظرف الحاق شده است.

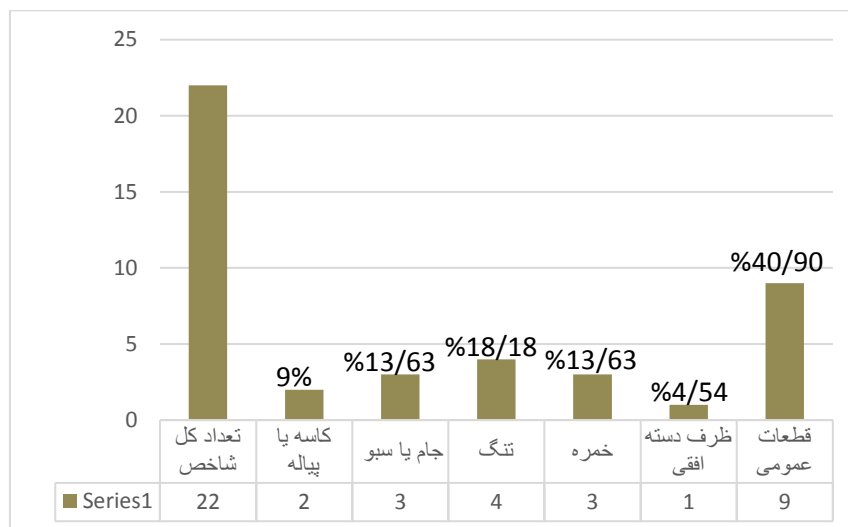


نمودار ۱: مقدار و حجم جامعه آماری



نمودار ۲: نوع و تعداد قطعات مورد مطالعه

از نظر ویژگی‌های ظاهری نیز، سفال‌های این استقرار دارای سه گونه متفاوت شامل سفال ساده (معمولی)، نقش‌کننده به صورت نوارهای افقی و نقش‌کننده به صورت نوارهای موج است. در بررسی ضخامت سفال‌ها نیز سه فاکتور ظریف با ضخامت ۰-۴ میلی‌متر، متوسط با ضخامت ۴-۷ میلی‌متر و خشن با ضخامت بیشتر از ۷ میلی‌متر در نظر گرفته شده است.



نمودار ۳: تعداد و درصد گونه‌های سفالی تپه اسماعیل آباد از نظر شکل و فرم

۲-۳-۲. فرم شناسی گونه‌ها

۲-۳-۱. کاسه‌ها: قطر این ظروف دو برابر ارتفاع آن، دارای پوشش گلی نخودی یا کرم رنگ، چرخ ساز و شکل منظم و یکنواختی دارند. خمیره آنها به خوبی ورز داده شده، فشرده و متراکم و دارای مقدار متوسط آمیزه معدنی ریز دانه است. رنگ خمیره سفال‌ها روشن و در طیف‌های نخودی، صورتی و نارنجی متغیر است. سطح خارجی این سفال‌ها اغلب روشن‌تر از سطح داخلی آنها است. تعداد این گروه از کل جامعه آماری که از سطح استقرار جمع‌آوری شده است، نسبت به دیگر گونه‌ها بسیار کم و ۹٪ از کل تعداد سفال‌های شاخص را به خود اختصاص می‌دهد. به‌طور کلی روی سفال‌ها اثر چرخ سفالگری دیده می‌شود و در برخی موارد استثنایی، شیارهای ناشی از پرداخت با دست مرطوب و یا کارد بر روی سطح سفال نیز دیده می‌شود. بدنه این گونه ظروف خمیده و احتمالاً دارای کفی صاف بوده که نمونه‌های آن نیز در دوره آهن متاخر شمال شرق (باز III) نیز دیده می‌شود و می‌توان این ویژگی را مؤلفه‌های سنت سفالی دوره اشکانی منطقه دانست که وام‌دار و تداوم یافته سنت دوره قبل از خود می‌باشد. ضخامت این گونه اغلب متوسط است. از نظر فرم‌شناسی، این گونه ظروف را می‌توان در دوره‌های قبل از پارتنی (باز II و III) منطقه کشف‌رود (مزاری مقدم، ۱۳۹۵: ۹۳) مشاهده کرد که به احتمال زیاد تداوم یافته دوره قبل می‌باشد.

۲-۳-۲. جام‌ها: این ظروف دارای فرمی دهانه گشاد و بدون گردن هستند که دهانه ظرف بیشترین قطر آنرا تشکیل می‌دهد و بدنه ظرف نیز به صورت مورب از دهانه به کف متصل می‌شود. ضخامت این گونه سفالی در تمامی موارد موجود ضخیم با ضخامتی بیشتر از ۷ میلیمتر و وزنی سنگین می‌باشد. تمام ظروف گونه فوق دارای پوشش گلی رقیق به رنگ کرم است. این گونه در دو نوع ساده (معمولی) و منقوش هستند که توسط نوارهای افقی و موج افزوده یا تزئینات طنابی در دو قسمت لبه و نزدیک کف، منقوش شده‌اند. به مانند گونه کاسه‌ها، این گونه ظروف چرخ‌ساز بوده و شکل منظم و یکنواختی دارند، خمیره آنها به خوبی ورز داده شده، فشرده و متراکم و تنها تفاوت آن با گونه کاسه‌ها، مقدار متوسط آمیزه معدنی متوسط دانه آن است. رنگ

خمیره سفال‌ها روشن و در طیف‌های نخودی، صورتی نارنجی، قرمز و قهوه‌ای متغیر است. سطح خارجی این سفال‌ها اغلب روشن‌تر از سطح داخلی آنها است. این گونه سفالی 13/63% از کل سفال‌های شاخص را تشکیل می‌دهد.

۳-۲-۳. کوزه‌ها: این ظروف دارای دو فرم متفاوت است که شامل: الف) گردن گشاد نسبتاً برگشته، بدنه کروی و دارای یک دسته است ب) دهانه تنگ، دارای گردنی نسبتاً بلند، لبه‌های به بیرون برگشته و دارای یک دسته (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۰۰). البته در بین نمونه‌های مورد مطالعه، نمونه دارای دسته وجود نداشت. از نظر ابعاد و اندازه این ظروف دارای اندازه‌های بزرگ جسته (ارتفاعی بیش از ۳۰ سانتیمتر) و کوچک (ارتفاعی کمتر از ۲۰-۱۵ سانتیمتر) می‌باشند. از دیگر ویژگی‌های این گونه می‌توان به پوشش گلی نخودی، قهوه‌ای و کرم رنگ اشاره کرد. خمیره این گونه ظروف متراکم، خوب ورز داده شده، پختی کافی، دارای مقدار کمی آمیزه ریزدانه می‌باشد. رنگ خمیره این ظروف در طیف‌های نخودی، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای متغیر است. این گونه 18/18% از کل سفال‌های شاخص استقرار را تشکیل می‌دهد. این گونه ظروف، چرخ‌ساز بوده و شکل منظم و یکنواختی دارند. این ظروف از نظر ضخامت دارای ضخامتی خشن می‌باشد. از نظر فرم‌شناسی، این گونه ظروف را می‌توان در دوره‌های قبل از پارسی (II و III) منطقه کشف‌رود (مزاری مقدم، ۱۳۹۵) مشاهده کرد که به احتمال زیاد تداوم یافته دوره قبل می‌باشد.

۴-۲-۳. خمیره‌ها: این گونه ظروف دارای تکنیک ساختی متفاوت از نوع فیتله‌ای و دست‌ساز هستند که تکنیک ساخت دست‌ساز، تکنیک مکمل ساخت این ظروف محسوب می‌شود و در پرداخت سطح و لبه‌های ظروف کاربرد دارد. این گونه شامل ظروفی دهانه بسته، دارای ضخامتی خشن در ابعاد بزرگ با لبه‌های به بیرون برگشته می‌باشد. بدنه این ظروف به صورت خمیده و نیم‌دایره است. این گونه ظروف بر عکس دیگر گونه‌های اشاره شده بدون پوشش گلی می‌باشد که متاثر و بیانگر کاربرد آنها به عنوان ظروف ذخیره است. خمیره این گونه ظروف متراکم، خوب ورز داده شده، دارای پختی کافی، مقدار زیادی آمیزه ریزدانه و متوسط دانه می‌باشد. رنگ خمیره این ظروف در طیف‌های نخودی، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای متغیر است. 13/63% از کل سفال‌های شاخص به این گونه ظروف اختصاص دارد. از نظر فرم‌شناسی، این گونه ظروف را می‌توان در دوره‌های قبل از پارسی (II و III) منطقه کشف‌رود (مزاری مقدم، ۱۳۹۵) مشاهده کرد که به احتمال زیاد تداوم یافته دوره قبل می‌باشد.

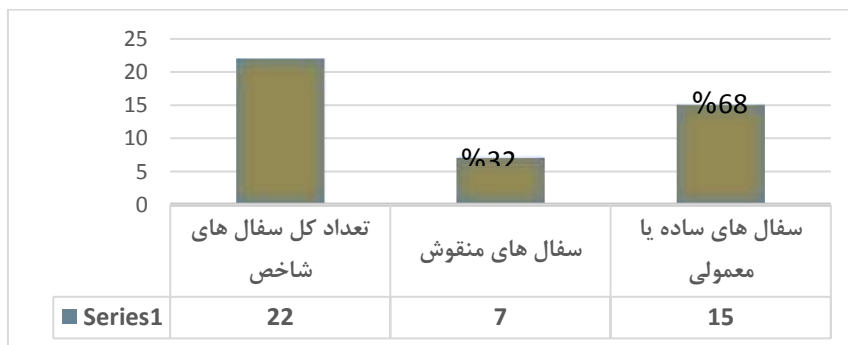
۵-۲-۳. ظروف دسته افقی: از تعداد کل سفال‌های موجود تنها یک قطعه از گونه فوق می‌باشد که از ویژگی‌های فرمی آن می‌توان به بدنه خمیده و نیم‌دایره با دسته افقی و در گونه پیاله‌ها یا دیگچه تقسیم‌بندی نمود. این ظرف دارای پوشش گلی نخودی یا کرم رنگ است. این گونه ظرف چرخ‌ساز بوده و شکل منظم و یکنواختی دارد، خمیره آن به خوبی ورز داده شده، فشرده و متراکم و دارای مقدار متوسط آمیزه معدنی ریزدانه است. رنگ خمیره سفال قرمز است. سطح خارجی این سفال روشن‌تر از سطح داخلی آن است. به‌طور کلی روی سفال اثر چرخ سفالگری دیده می‌شود و در برخی موارد استثنایی، شیارهای ناشی از پرداخت با دست مرطوب و یا کارد بر روی سطح سفال نیز مشاهده می‌شود. بدنه این ظرف خمیده و احتمالاً دارای کفی

صاف بوده که نمونه‌های آن نیز در دوره آهن متاخر در دشت گرگان مشاهده می‌شود و از نوع دیگچه‌های کوچک، دارای دو دسته افقی در طرفین و از نوع سفال خاکستری است (عباسی، ۱۳۹۰). اما تعمیم شباهت ظروف خاکستری دسته افقی دشت گرگان که قرابت نزدیکی با فرهنگ عصر آهنی داهستان در جنوب غرب ترکمنستان را دارا است با سفال دوره پارتنی منطقه کشف‌رود که اغلب سنت‌های آن تداوم یافته فرهنگ عصر آهنی یاز می‌باشد، کمی غیر ممکن اما مسئله‌ای قابل تأمل و بحث برانگیز محسوب می‌شود. این گونه 4/54٪ از کل سفال‌های شاخص را تشکیل می‌دهد.

۳-۳. ویژگی‌های ظاهری

۳-۳-۱. سفال‌های ساده (معمولی): سفال معمولی بطور عمده سفال ساده و بدون نقش است که برای اولین بار ارنی هرینگ در گونه‌شناسی سفال‌های دوره پارتنی منطقه شمال‌شرق ایران از این اصطلاح استفاده کرده است (هرینگ، ۱۳۷۶: ۱۹۸). سفال‌هایی با پوشش گلی شیری یا کرم رنگ از زیرگونه‌های این نوع است که جان هانسمن و دیوید استروناخ، کاوشگران شهر قومس برای اولین بار در تقسیم‌بندی سفال‌های مکشوفه این سایت، آنها را گونه‌ای مجزا دسته‌بندی کردند (Hansman and Stronach 1970: 55). ارنی هرینگ نیز در رساله دکتری خود با بررسی کلی ویژگی‌های این نوع سفال، این گونه را سفال معمولی دانسته است. با این تفاسیر اغلب سفال‌های استقرار اسماعیل‌آباد به‌ویژه گونه کاسه‌ها، تنگ‌ها و خمره‌ها از این گونه محسوب می‌شود. به‌طور کلی ویژگی فنی این سفال‌ها، چرخ‌ساز، دارای شکلی منظم و یکنواخت، خمیره فشرده و متراکم و دارای آمیزه معدنی ریزدانه و خمیره‌ای در طیف‌های رنگی نخودی، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای می‌باشد. از بارزترین ویژگی این نوع سفال، پوشش گلی کرم رنگ در سطح خارجی آنها است. ۶۸٪ از کل سفال‌ها از نوع سفال معمولی می‌باشد.

۳-۳-۲. سفال‌های منقوش: سبک و تکنیک نقش اندازی بر روی سفال‌های استقرار اسماعیل‌آباد، با دو تکنیک نقش‌کنده در دو نوع به صورت نوارهای کنده افقی و نوارهای کنده موج منقوش شده است. نوارهای کنده افقی اغلب هنگام فرم‌دهی با چرخ سفالگری و به‌وسیله کارد یا قطعه چوبی ایجاد شده است و نقوش کنده موج نیز با همین تکنیک و مابین نوارهای افقی کنده ایجاد شده است (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۸ و ۲۹). تمام نقوش سفال‌های این استقرار بر سطح خارجی سفال‌ها ایجاد شده و جام‌ها یا سیبوا بیشترین جامعه آماری سفال‌های منقوش را تشکیل می‌دهند. ۳۲٪ از کل سفال‌های استقرار اسماعیل‌آباد منقوش می‌باشد.



نمودار ۴: درصد و تعداد سفال‌ها منقوش و ساده

۴. بحث و تحلیل

از نظر فرم‌شناسی سفال‌های استقرار اسماعیل‌آباد در ۵ گونه کاسه و پیاله‌ها، جام‌ها یا سبوها، تنگ‌ها یا کوزه‌ها، خمره‌ها و ظروف دسته افقی (دیگچه) تقسیم‌بندی می‌شوند. فرم اغلب این سفال‌ها بدلیل عدم انجام کاوش و مطالعات تخصصی دوره پارسی در خراسان، منحصر به فرد و کمتر شناخته شده هستند. علاوه بر این براساس مطالعه تطبیقی با پژوهش‌های محدود خراسان که در دشت درگز متمرکز بوده است، قرابت و شباهت‌هایی با سفال‌های دوره پارسی دشت درگز دارد (محمدی فر و فلاح مهنه، ۱۳۹۴؛ نامی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۴، تصویر ۱۰). از طرفی با توجه به مطالعات تخصصی دوره آهن خراسان رضوی به‌ویژه دشت نیشابور، متمرکز بر دو استقرار تیغ مهره (باصفا، منتشر نشده) و سه تپه (باصفا و رضایی، ۱۳۹۵) همچنین حوضه کشف‌رود (شهرستان مشهد) (مزاری مقدم، ۱۳۹۵) شباهت‌های بارزی از نظر فرم‌شناسی بین سفال‌های پارسی استقرار اسماعیل‌آباد و سفال‌های دوره آهن متاخر (یاز II و III) خراسان رضوی [شرق خراسان شامل دشت نیشابور - شهرستان مشهد - درگز - حوضه کشف‌رود] مشاهده می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، با شکل‌گیری دوره آهن، مؤلفه‌های فرهنگی و تحولات ایجاد شده در اواخر این دوره، زمینه‌ساز و پیش‌درآمد شکل‌گیری دوره‌های تاریخی در ایران شده است. از آنجا که براساس مطالعات اخیر مشخص شده است، تا کنون فرهنگ عصر آهنی یاز، فرهنگ غالب خراسان رضوی به‌ویژه منطقه کشف‌رود، دشت نیشابور و درگز است. بدلیل تداوم دوره زمانی یاز III تا ۳۰۰ ق.م (پایان دوره هخامنشی) می‌توان مؤلفه‌های فرهنگی این دوره و شاخصه‌های مواد فرهنگی آن را به نوعی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مواد فرهنگی دوره اول پارسی (اوایل تثبیت سلسله حکومتی اشکانیان) تعمیم داد. با توجه به اینکه دوره پارسی و سلسله پارتیان در سال ۲۵۰ یا ۲۴۸ ق.م شکل گرفته است؛ در اوایل تشکیل این حکومت مستقل، همچنان کشمکش‌هایی با دولت سلوکیه بر سر قدرت در این منطقه وجود داشته است. از این رو در اوایل تشکیل دولت مستقل پارسی، زمینه برای ایجاد مؤلفه‌های فرهنگی منحصر به خود و ایجاد سبک‌های هنری و تولیدی، وجود نداشته و ناچار به استفاده از تکنیک و سبک‌های دوره قبل از خود بوده‌اند. با شکل‌گیری حکومت مهرداد اول و تدابیر سیاسی و همچنین برتری‌های نظامی وی، سرزمین پارتیان تا غرب در بین‌النهرین و سوریه پیشروی کرد که از مشخصات دوران سلطنت او بسط تماس‌های سیاسی و تجاری در سراسر جهان آن روز و همچنین کنترل راه تجاری ابریشم بود (هرمان، ۱۳۸۷: ۲۷). این اقدامات سبب شده بود فرهنگ و هنر اشکانی پیرو ارتباطات تجاری و سیاسی دچار دگرگونی، تحول و پیشرفت‌هایی شود که بدلیل انتقال تمرکز اداری و سیاسی از شمال شرق ایران به سرزمین‌های غربی، سیر این تحول را در مراکز غربی اعم از قلعه یزدگرد، خورهه، مسجد سلیمان، سرزمین‌های الیمایی و در دوره اوج خود در مراکز دولتی و تجاری لبه غربی کشور پارت همچون الحضر، دورا اروپوس و هترا مشاهده کرد. با این تفاسیر در شمال شرق ایران و استقرارهای اشکانی این منطقه تنها می‌توان هنر و مؤلفه‌های فرهنگی اولیه دوره پارسی را درک کرد که تداوم یافته شاخصه‌های دوره قبل از خود (فرهنگ یاز II و III) است و ممکن است در بخش‌های مختلفی با فرهنگ شناخته شده پارسی در دیگر مناطق ایران که امروزه پژوهشگران زیادی شاخصه‌های منحصر بفردی (اعم از سفال جیلینگی یا کیلنکی، سفال لعابدار) برای آن در نظر می‌گیرند، متفاوت باشد. البته باید در نظر داشت که عدم وجود سفال نوع جیلینگی و لعابدار در بین نمونه‌های تپه اسماعیل‌آباد یا دیگر استقرارهای شناخته شده دوره پارسی در حوضه کشف‌رود (آرشو اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی و

بانک سفال موزه بزرگ خراسان) ممکن است دلیل بر نبود این نوع سفال در فرهنگ‌های دوره پارتهی منطقه نباشد و دلیل فقدان این نوع سفال، عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی در استقرارهای این دوره است. بدلیل شکل‌گیری سلسله پارتهی در منطقه خراسان بلافاصله پس از دوره عصر آهنی فرهنگ یاز، تداوم مولفه‌های فرهنگ یاز را می‌توان در سنت‌های سفالی، مولفه‌های زیستی، ساختارهای اجتماعی و سبک زندگی استقرارهای اولیه (منظور اوایل شکل‌گیری سلسله پارتهی است) دوره پارتهی مشاهده نمود. از طرفی براساس تاریخگذاری نسبی مواد سطحی، بدلیل مقارن بودن زمان سکونت استقرار اسماعیل‌آباد با دوره اول پارتهی در منطقه خراسان (یعنی دوره تثبیت و شکل‌گیری حکومت اشکانیان بلافاصله پس از پایان آخرین فاز دوره آهن منطقه موسوم به یاز III) هنوز بستر شکل‌گیری و ظهور مولفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی فراگیر اشکانی اعم از سفال جیلینگی و لعابدار، سبک‌های معماری و دیگر مولفه‌های منحصر بفرد این دوره بدلیل درگیری‌های بین اشکانیان و سلسله سلوکیان محیا نبوده است و پس از شروع دوره دوم (از زمان سلطنت مهرداد اول) رفته‌رفته و با تلفیق هنر اشکانیان با دیگر هنر مردمان ایران، شاخصه‌های فرهنگی این دوره پدیدار می‌شوند.

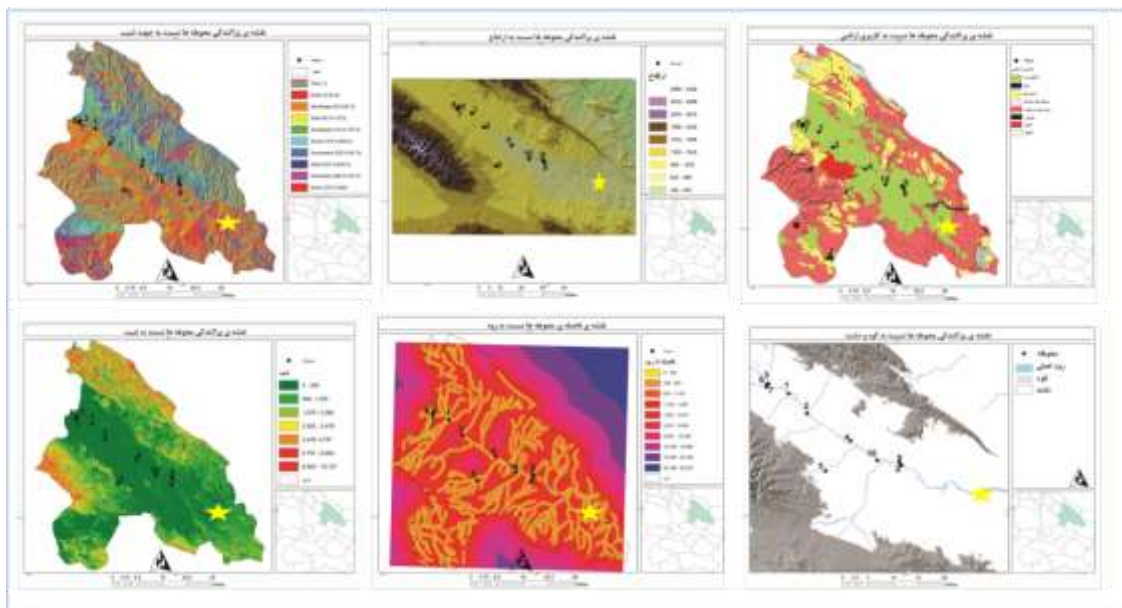
از این رو خراسان به عنوان خاستگاه و سرزمین اولیه پارتهیان شاهد مولفه‌های زیستی، فرهنگی و شاخصه‌های مواد فرهنگی دوره قبل یعنی دوره یاز II و III است. این مسئله در بررسی گونه‌ها و سنت‌های سفال استقرار اسماعیل‌آباد و الگوی زیستی آن کاملاً مشخص است (جدول ۱). استقرارهای عصر آهنی در حاشیه رودخانه کشف‌رود با وسعتی بین ۰/۰۵ تا نیم هکتار شکل گرفت که با بررسی الگوی استقرار آنها، استقرارهای فصلی و نیمه فصلی با معیشتی مبتنی بر دامداری بوده اند (مزاری مقدم، ۱۳۹۵: ۹۸). علاوه بر این استقرارهای عصر آهن منطقه کشف‌رود (شهرستان مشهد) استقرارهایی وابسته به منابع غنی آب به‌ویژه رودخانه کشف‌رود بوده‌اند که اغلب و ۸۳٪ آنها در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری از رودخانه ایجاد شده‌اند. با بررسی مولفه‌های زیستی استقرار اسماعیل‌آباد که در فاصله ۷۰۰ متری رودخانه، اراضی با کاربری کشاورزی، کمترین منطبق فازی شیب زمین، ارتفاع کمتر از ۶۰۰ متر از سطح آبهای آزاد قرار گرفته و دارای وسعت تقریبی ۰/۷ هکتار می‌باشد، دارای الگوی مشابه با استقرارهای عصر آهن متاخر منطقه است.

۵. نتیجه

استقرار اسماعیل‌آباد واقع در منطقه کشف‌رود (شهرستان مشهد) براساس گونه‌شناسی و بررسی سنت‌های سفالی آن، همچنین بررسی الگوهای زیستی، جزء اولین استقرارهای پارتهی حوضه کشف‌رود (شهرستان مشهد) محسوب می‌شود که در سرزمین اولیه تحت کنترل پارتهیا (خراسان) شکل گرفته است. از طرفی بدلیل شکل‌گیری دوره پارت و حکومت پارتهیان در خراسان، آنها در اوایل دوران خود بویژه در زمان تثبیت قدرت، ناچاراً از مولفه‌های زیستی، معیشتی و شاخصه مواد فرهنگی به خصوص سنت‌های سفالگری دوره قبل از خود تبعیت کرده‌اند که تداوم سنت‌های سفالی دوره قبل (یاز II و III) در اوایل دوره پارتهی در سرزمین اولیه و خاستگاه آنها (خراسان) تلقی می‌شود. بنابراین مولفه‌های زیستی و شاخصه‌های فرهنگی دوره پارت در خراسان را که جزء مولفه‌های فرهنگی، زیستی، معیشتی و اجتماعی آنها می‌شود را در دوره متاخر فرهنگ عصر آهنی منطقه موسوم به فرهنگ یاز دانست که پس از تثبیت حکومت پارتهیان و شروع حکومت مهرداد اول و تدابیر سیاسی و برتری نظامی وی، سرزمین پارت تا دلتای فرات در شرق بین‌النهرین و مناطق غربی ایران گسترش

یافت و با تسلط بر راه تجاری ابریشم و بسط و رابطه سیاسی و اقتصادی با بیشتر سرزمین‌های جهان، سبب شده بود فرهنگ و هنر اشکانی پیرو ارتباطات تجاری و سیاسی دچار دگرگونی، تحول و پیشرفت‌هایی شود که بدلیل انتقال تمرکز اداری و سیاسی از شمال شرق ایران به سرزمین‌های غربی، سیر این تحول را در مراکز غربی می‌توان مشاهده نمود. در پایان مجددا تاکید می‌شود که پژوهش حاضر به منزله طرح فرضیه جدیدی در خصوص تبیین شاخصه‌های فرهنگ دوره پارت خراسان با نگاهی به حوضه کشف‌رود می‌باشد.

پیوست‌ها

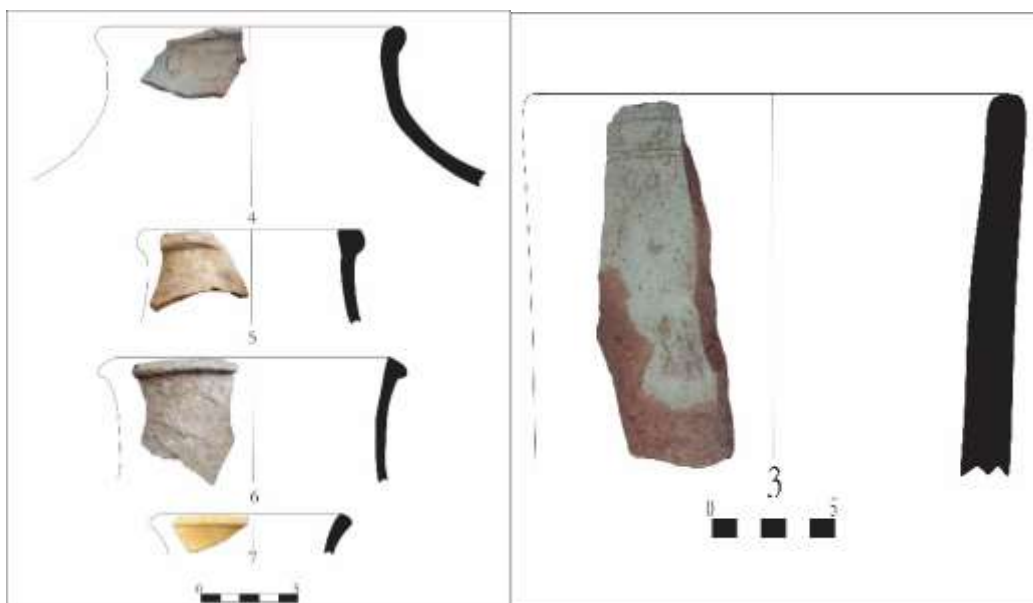


تصویر ۵: الگوی استقرار و قرارگیری استقرار اسماعیل آباد نسبت به مولفه‌های زیستی



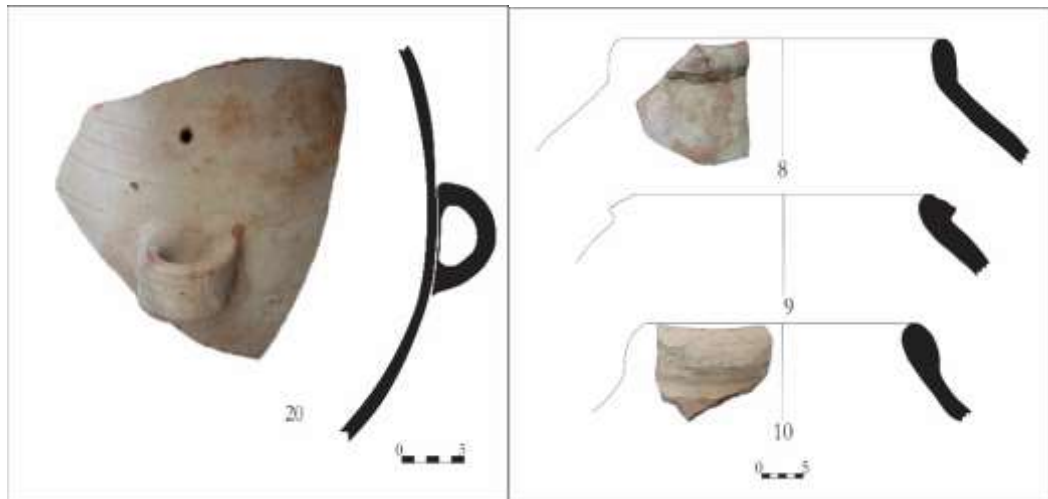
تصویر ۷: گونه‌های موسوم به سبو یا جام

تصویر ۶: ظروف موسوم به کاسه یا پیاله



تصویر ۹: گونه موسوم به کوزه‌ها

تصویر ۸: گونه موسوم به سبو یا جام

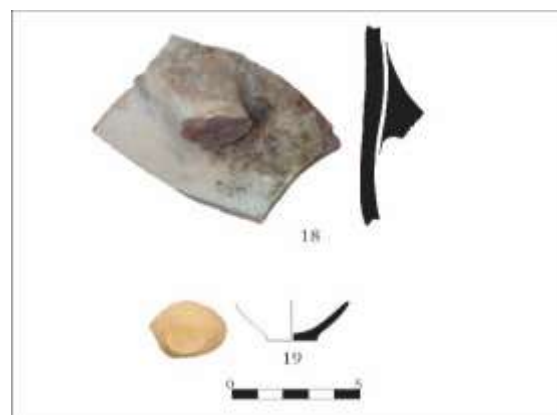


تصویر ۱۱: ظرف دسته افقی

تصویر ۱۰: خمرها



تصویر ۱۲: قطعات بدنه ظروف



تصویر ۱۳: قطعات عمومی جدول

۱- ویژگی های فنی و ظاهری سفال های استقرار اسماعیل آباد

ردیف	نوع سفال	فرم	ظرافت	نقش	محل تراش	رنگ خمیره	پوشش بدنه بیرونی	پوشش بدنه داخلی	تکنیک ساخت	آبزه	پخت	نمونه های مشابه	فرم های مشابه عصر آهن (پار 11 و 111)
1	له	کاسه	متوسط	-	-	قهوه‌ای	پوشش گلی کرم	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای ریزنده	کافی	Ycsanosa, 1962, Fig: 5, No:5 Herrmann et al, 2001, Fig: 17, No: 5 اللازی و ده پهلوان، ۱۳۸۹: طرح ۴، شماره ۲، محسبی فر و فلاح مینده، ۱۳۹۴: طرح ۲	طیاسی، ۱۳۸۶: ۱۳۲، طرح ۱، مراری مقدم، ۱۳۹۵: ۲۷، طرح ۲، Lhuillier, 2010, Fig6
2	له	کاسه	ظریف	-	-	نخودی	پوشش گلی کرم	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای ریزنده	کافی	Deshayes, 1987, pl 41, n3&4	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۳۷، طرح ۲، Lhuillier, 2010, Fig6
3	له	جام	خشن	کنده، نواری آبی	له، بدنه بیرونی	قرمز	پوشش گلی کرم	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای متوسط دانه	کافی	Deshayes, 1987, pl43, n1&3, P144, n1	طیاسی، ۱۳۸۶: گروه ۷ الف، Lhuillier, 2010, Fig46, pl3, No17
4	له	تنگ	متوسط	-	-	قرمز	پوشش گلی کرم	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای ریزنده	کافی	استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹ تصویر ۲۵، محسبی فر و فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Kleiss, 1970, Fig: Abb, 28, No: 6, Wheller, 1962, Fig: 21, No119 Deshayes, 1987, pl43, n12	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig19, Lhuillier, 2010,
5	له	تنگ	متوسط	-	-	تاریجی	پوشش گلی کرم	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای متوسط دانه	کافی	استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹ تصویر ۲۵، محسبی فر و فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Kleiss, 1970, Fig: Abb, 28, No: 6, Wheller, 1962, Fig: 21, No119 Deshayes, 1987, pl44, n8	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig19, Lhuillier, 2010,
6	له	تنگ	ظریف	-	-	له‌پودی	پوشش گلی تاریجی	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای ترشت دانه	کافی	استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹ تصویر ۲۵، محسبی فر و فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Wheller, 1962, Fig: 21, No119 Deshayes, 1987, pl44, n8, P154, n1&5&7	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig19, Lhuillier, 2010,
7	له	تنگ	متوسط	-	-	نخودی	پوشش گلی نخودی	پوشش گلی	چرخ‌ساز	معنای ریزنده	کافی	استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹ تصویر ۲۵، محسبی فر و فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Kleiss, 1970, Fig: Abb, 28, No: 6, Wheller, 1962, Fig: 21, No119 Deshayes, 1987, pl45	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig19, Lhuillier, 2010,
8	له	خمیره	خشن	-	-	قرمز	پوشش گلی	-	فینتای و دست ساز	معنای ترشت دانه	کافی	Ycsanosa, 1963, Fig: 10, No: 25 Wheller, 1962, Fig: 37, No: 340 Mehr Afarin et al, 2011, Fig: 6, No: 10 فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Deshayes, 1987, pl43, n6	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig30, Lhuillier, 2010,
9	له	خمیره	خشن	-	-	قرمز	-	-	فینتای و دست ساز	معنای ترشت دانه	کافی	Ycsanosa, 1963, Fig: 10, No: 25 Mehr Afarin et al, 2011, Fig: 6, No: 10 فلاح مینده، ۱۳۹۴: لوح ۲، طرح ۱-۶-1 Deshayes, 1987, pl43, n7	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Fig30, Lhuillier, 2010,
10	له	خمیره	خشن	-	-	تاریجی	-	-	فینتای و دست ساز	معنای ترشت دانه	کافی	Ycsanosa, 1963, Fig: 10, No: 25 Wheller, 1962, Fig: 37,	باسقا و رضایی، ۱۳۹۵: Lhuillier, 2010,

Fig30	No. 340 MehraFigarin et al. 2011, Fig. 6, No. 10 شماره ۱۰، جلد ۶، شماره ۲، سال ۲۰۱۱	دانه										
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	-	پوشش گلی گرم	قهوه‌ای	-	-	ظریف	-	بند	11
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	پوشش گلی	پوشش گلی گرم	تاریخی	بند سروبی	کند نوزی گلی	ظریف	-	بند	12
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	-	پوشش گلی گرم	قرمز	بند سروبی	مواج تر نوار گلی	ظریف	-	بند	13
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	پوشش گلی	پوشش گلی نمودی	نمودی	بند سروبی	مواج تر نوار کند گلی	ظریف	-	بند	14
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	-	پوشش گلی گرم	قهوه‌ای	-	-	ظریف	-	بند	15
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	-	-	تاریخی	بند سروبی	دایره سیاه رنگ	خشن	-	بند	16
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	-	پوشش گلی نمودی	قرمز	-	-	ظریف	-	بند	17
		معدنی متوسط دانه	چرخ‌سار	پوشش گلی	پوشش گلی گرم	قهوه‌ای	-	-	متوسط	-	بند	18
		معدنی ریندانه	چرخ‌سار	پوشش گلی	پوشش گلی سوزنی	نمودی	-	-	ظریف	*	کفی	19
فاسی، ۱۳۹۰		معدنی متوسط دانه	چرخ‌سار	-	پوشش گلی گرم	قهوه‌ای	-	-	متوسط	دیگچه دسته گلی	بند دسته	20

منابع

آقالاری، بایرام و ده پهلوان مصطفی. (۱۳۸۹). «شاخصه‌های فرهنگی شمال غرب ایران در دوره اشکانی (با نگاهی به یافته‌های فصل دوم کاوش در تپه کهنه پاسگاه تپه سی)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، ۲(۳)، ۱۱-۳۸.

استروناخ، دیوید، (۱۳۷۸)، پاسارگاد: گزارشی از کاوش‌های انجام شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳، ترجمه حمیدخطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت حفظ و احیاء.

امیرلو، عنایت‌الله، (۱۳۶۵)، «نگاهی به فرهنگ‌های کهن سنگی ایران»، *باستان‌شناسی و تاریخ* ۱(۱): ۳۰-۱۳.

باصفا، حسن، (۱۳۹۵)، «تبیین فرهنگ‌های عصر آهن دشت نیشابور براساس تحلیل مواد فرهنگی استقرار تیغ مهره»، طرح پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشگاه نیشابور، دانشگاه نیشابور، منتشر نشده.

باصفا، حسن و رضایی، محمد حسین، (۱۳۹۵)، گزارش فصل اول کاوش محوطه سه تپه دشت نیشابور، تهران: آرشو پژوهشگاه باستان‌شناسی.

بیگلری، فریدون، (۱۳۹۴)، «مروری بر باستان‌شناسی دوران پارینه سنگی خراسان با تاکید بر محوطه‌های کشف رود»، (به کوشش میثم لباف خانیکی)، (در) گذری بر باستان‌شناسی خراسان؛ گزیده‌ای از یافته‌های باستان‌شناختی و نفایس تاریخی-فرهنگی خراسان، مشهد: اداره کل میراث فرهنگی.

پیگولوسکایا، نیناویکتورونا، شهرهای ایران در زمان پارسیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دآوری، محمدصادق، (۱۳۹۵). «تبیین گاهنگاری نسبی و مطالعات سنجش از راه دور به منظور تحلیل چشم انداز فرهنگی و جغرافیایی محوطه‌های پیش از تاریخ حوضه کشف‌رود (شهرستان مشهد) از دوره نوسنگی تا مفرغ پایانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسن باصفا، دانشگاه نیشابور، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

دهقان، پوریا، پور مقدم، حسین، لشکری پور، مرتضی و غفوری، م.، (۱۳۹۲)، «بررسی اشکال ژئومورفولوژی حوضه آبریز کشف رود»، مجموعه مقالات هشتمین مجمع زمین‌شناسی مهندسی و محیط زیست ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۶۵۹-۱۶۶۶.

- شکوهی، فهیمه و دل آرامی زهرا، (۱۳۸۳)، «گزارش ثبتی تپه اسماعیل آباد مشهد»، مشهد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی.
- طلائی، حسن، (۱۳۸۶)، *عصر آهن در ایران*، تهران: سمت.
- عباسی، قربانعلی، (۱۳۹۰)، *گزارش کاوش نرگس تپه دشت گرگان*، تهران: انتشارات نقش جهان.
- فرای، ریچارد، (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران در دوران اشکانی و ساسانی*، (در) *بین النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی*، گزارشی از سمینار یادواره ولادیمیر لوکونین، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- فهیمی، حمید، (۱۳۸۱)، *فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان شناسی*، تهران: سمیرا.
- محمدی فر، یعقوب و مهدی فلاح مهنه، (۱۳۹۴)، «دوره اشکانی در شمال شرق ایران؛ محوطه های نو یافته دشت درگز»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان شناسی ایران، مشهد.
- مزاری مقدم، حسین، (۱۳۹۵)، «تحلیل الگوهای استقرار محوطه های عصر آهن شهرستان مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسن باصفا، دانشگاه نیشابور، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نامی، حسن، (۱۳۹۵)، «گزارش مقدماتی کاوش و گمانه زنی محوطه اشکانی شهر تپه دشت درگز»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره معماری و شهرسازی ایران، کنگره های استانی (خراسان رضوی)، موزه بزرگ خراسان، مشهد: اداره میراث فرهنگی.
- نامی، حسن، فیروزمندی، بهمن و محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار، (۱۳۹۶)، «تحلیل و گاهنگاری پیشنهادی «شهر تپه» چاپشلو در شهرستان درگز، شمال شرق ایران»، پژوهش های باستان شناسی ایران، ۷(۱۳)، ۱۴۲-۱۲۴.
- وحدتی، علی اکبر، (۱۳۹۴)، «عصر مفرغ و آهن خراسان (۳۰۰۰ تا ۵۰۰ ق.م)»، گذری بر باستان شناسی خراسان، (به کوشش میثم لباف خانیکی)، (در) *گذری بر باستان شناسی خراسان*؛ گزیده ای از یافته های باستان شناختی و نفایس تاریخی-فرهنگی خراسان، مشهد: اداره کل میراث فرهنگی.
- ولی پور، حمیدرضا، حسن فاضلی نشلی و محمدحسین عزیزی خرائقی، (۱۳۸۸)، گونه شناسی سفال های دوره نوسنگی جدید و مس سنگیدشت تهران (مطالعه موردی تپه پردیس)، پیام باستان شناس، ۶(۱۲)، ۳۶-۱۳.
- هرمان، جرجینا، (۱۳۸۷)، «تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان»، ترجمه مهرداد وحدتی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هرینک، ارنی، (۱۳۷۶)، *سفال ایران در دوره اشکانی*، ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- Ariai, A., and Thibult, C., 1977. *Nouvelles precisions a propos de l outillage Paleolithique ancinesur dolets u Khorassan (IRAN)*, *Paleorient* 3:196.
- Boucharlat, R., Francfort, H. P., and Lecomte, O., 2005. *The citadel of Ulug-Depe and the Iron Age archaeological sequence in southern Central Asia*, *Iranica Antiqua* 40: 479-514.
- Burke, H., and Smith, C., 2004. *The archaeologist's field handbook*, *Australian Academy of Humanities*.
- Cattani, M., Genito, B., 1998. *The pottery chronological seriation of the Murghab delta from the end of the Bronze Age to the Achaemenid period: a preliminary note*, in: A. Gubaev, G. A., Koshelenko, and M., Tosi (eds.), *the archaeological map of the Murghab delta, preliminary reports 1990-95*, Rome: Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente, pp. 75-87.
- Hansman, J. and Stronach, D., 1970. *Excavations at Shahr-i Qūmis, 1967*. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 102(1), pp.29-62.
- Herrmann, Georgina, K. Kurbansakhatov, St. John Simpson. 2001. *The International Merv Project Preliminary Report on the ninth Year (2000)*. Iran, Vol. 39, pp. 9-52.
- Keall, E.J., 1976. *Qaleh-I-Yazdgird*, *Iran XVIII*:4-162.
- Kleiss, W., 1970. *Zur Topographic Des Parther Hanges in Bistun*. *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 3, pp.133-168.
- Lhuillier, J., 2010. *Le phénomène des "cultures à céramique modelée peinte" en Asie centrale dans l'évolution et la transformation des sociétés de la fin de l'âge du Bronze et du début de l'âge du Fer (Ile-Ier millénaire avant n. è.)*. *Une synthèse comparative et régionale de la culture matérielle (Doctoral dissertation, Université Panthéon-Sorbonne-Paris I)*.

Mehr Afarin, R., Mousavi-Haji.S.R., Banijamali.S.L. 2011. *Archaeological survey of Kooh-e Khayeh in Sistan, International Journal of Humanities* 18 (1): 43-65.

Wheeller, M., 1962. *Charsada, Oxford, Oxford University Press.*

Usmanov, Z.I., 1963. "Erk-Kala (bo materialelem utereaghay 1955-1959 theghe.) Труды ИОТАКЭ, 12, pp.20-94.